

## مقایسه دگرگونی های قوانین و مقررات در خصوص ماهیت تابعیت در حقوق کشورهای ایران و کانادا

سما دلیری پور<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران

### چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه دگرگونی های قوانین و مقررات در خصوص ماهیت تابعیت در حقوق کشورهای ایران و کانادا می باشد. این مطالعه به روش مروری توصیفی و تحلیلی به کمک داده های کتابخانه ای انجام گرفت. تابعیت یا ملیت اصطلاحی است که برای اشاره به نوعی رابطه سیاسی معنوی یا حقوقی بین یک شخص و ملت یا دولتی معین استفاده می شود. رابطه ای که با آن خانواده ملت تشکیل می یابد به عبارتی پیوندی که وابستگی فردی از افراد انسانی را به ملتی خاص توجیه می کند. تابعیت پیوندی که شخص را به ملت معینی مربوط می سازد و تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده دولت است. تابعیت رابطه ای است بین فرد و دولت که شخص تبعه را در قبال تبعیت به حمایت دولت متبوع خود ذی حق می نماید. باتوجه به یافته های پژوهش باید بیان کرد که کشور کانادا با شعار مهاجرت پذیری یکی از مهاجرپذیرترین کشورهای جهان می باشد که بر مبنای مواد قانونی ۱۵ و ۲۷ قانون اساسی این کشور که به اصل چند ملیتی و تنوع فرهنگی اشاره دارد سالانه باعث جذب مهاجران تحصیل کرده و تجار فراوانی از سراسر جهان می شود. مطابق داده های هر دو گزارش داخلی و بین المللی، کانادا جزء سه کشوری است که بیشترین تعداد ایرانی ها به آن مهاجرت کرده اند. این جمعیت بر اساس گزارش دبیرخانه شورای عالی ایرانیان، ۴۰۰ هزار نفر و بر پایه گزارش های بین المللی ۱۶۶ هزار و ۲۹۴ نفر است. با گذشت زمان و افزایش تعداد درخواست های مهاجرتی به کشور کانادا این کشور سعی بر سخت گیری اصول مهاجرتی خود کرد تا فقط افرادی که بتوانند در توسعه همه جانبه و پیشرفت این کشور دخیل هستند وارد این خاک شوند و تابعیت این کشور را کسب کنند. به همین منظور اولین اقدامات برای تغییر قوانین در ۲۰۱۴ شروع شد و در ژوئن ۲۰۱۵ اولین تغییرات صورت گرفت. این تغییرات باعث پیامدهای مثبتی برای شهروندان شد و فشارهای دولت و نمایندگان آن سبب شد تا در سال ۲۰۱۷ دوباره این قوانین مورد بررسی قرار بگیرند و این روند را سخت تر از قبل کنند. در این قوانین سعی شد مدت زمان اقامت اولیه و شرایط اخذ ویزای کانادا نسبت به قبل تغییر کند. در ایران نیز اولین اقدام برای تغییر قوانین تابعیت در سال ۱۳۸۵ در خصوص فرزندان دارای مادر ایرانی و اتباع بیگانه صورت گرفت که این تحولات سبب شد تا در سال های بعدی نیز این بازنگری ها صورت بگیرد و دوباره این قانون در سال ۱۳۹۱ بازنگری شود. اما باتوجه به نیازهای ملی و بین المللی به تابعیت و افزایش درخواست های تابعیت در کشور ایران و همچنین افزایش مهاجرت از ایران به نظر می رسد قانونگذاران در مواد قانونی در خصوص تابعیت باید تغییراتی را ارائه دهند.

واژگان کلیدی: تابعیت، قانون مدنی، مهاجرت، تحولات قوانین، ایران، کانادا

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: sama.daliripur1368@gmail.com

تابعیت یا ملیت اصطلاحی است که برای اشاره به نوعی رابطه سیاسی معنوی یا حقوقی بین یک شخص و ملت یا دولتی معین استفاده می شود. نظر واحدی در مورد تعریف تابعیت وجود ندارد و دانشمندان حقوق بین الملل بحث های مفصل و متعددی در مورد تعریف تابعیت کرده اند برخی از تعاریف که در مورد تابعیت آمده است چنین است. رابطه ای که با آن خانواده ملت تشکیل می یابد به عبارتی پیوندی که وابستگی فردی از افراد انسانی را به ملتی خاص توجیه می کند (جعفری و شیر، ۱۴۰۰). تابعیت پیوندی که شخص را به ملت معینی مربوط می سازد. در متن های قدیمی کلمه تابعیت بیشتر از ملیت به گروه قومی اشاره دارد، یعنی گروهی از مردم که دارای یک قومیت با زبان فرهنگ و تاریخ هستند. در قانون بدون تابعیت بودن یا بدون ملیت بودن وضعیتی است که در آن یک شخص هیچ نوع رابطه رسمی و شناخته شده ای با هیچ یک از دولت ها نداشته باشد (دانش پژوه، ۱۴۰۱).

در مسیر تحول مفهوم تابعیت تحول قواعد مربوط به آن نیز امری اجتناب ناپذیر است. اکنون تابعیت یک رابطه شخصی مبتنی بر تبعیت و وفاداری به یک شخص نیست. بلکه بیشتر یک وضعیت حقوقی و متضمن حقوق و تکالیف متقابل میان فرد و دولت است. واژه تابعیت بیانگر چگونگی عضویت در یک جامعه مبتنی بر فرهنگ تاریخ اخلاق عقاید سیاسی و ارزش های مشترک است. از این رو حقوق بین الملل در قلمرو تعیین اتباع توسط دولت ها چندان جایی برای مداخله ندارد. در عین حال تابعیت به عنوان یک عامل تعیین کننده کارکردهای مهمی در روابط بین الملل دارد (ابراهیمی، ۱۴۰۰). تابعیت قلمرو حقوق و تکالیف دولت ها در مقابل یکدیگر و نیز جامعه بین المللی را تعیین می کند. از جمله آثار بین المللی تابعیت به عنوان یک عمل حاکمیتی مفاهیمی مانند صلاحیت شخصی در حقوق بین الملل و نیز نهاد حمایت دیپلماتیک در یک محکمه بین المللی است. به موجب حقوق بین الملل موجود هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد. اگرچه این بدان مفهوم نیست که هر فرد حق دارد تا تابعیت خاصی داشته باشد اما در عین حال بدان مفهوم نیز نیست که حق حاکمیتی دولت در تدوین مقررات تابعیتی متأثر از توسعه حقوق بین الملل و به ویژه حقوق بشر نباشد (مشهدی و گائینی، ۱۴۰۰).

در قوانین جمهوری اسلامی ایران ماده ۹۷۶ قانون مدنی موادی که برای تشخیص اتباع ایرانی از بیگانان را اینگونه تعریف می کند که عموماً افراد خارج از سرزمین ایران بیگانه تلقی می شوند. در مقابل قوانین تابعیتی ایران کشور کانادا نیز قوانینی برای تابعیت و ترک این فعل دارد (حمزه زاده، ۱۴۰۰). کشور کانادا در رابطه با تابعیت، قوانین و سیاست های خاص فرهنگی خود را دارد به همین دلیل این سیاست ها سبب شده تا کانادا یک کشور مهاجر پذیر با سیاست چند فرهنگی باشد. به دلیل قوانین خاص مهاجرتی، وسعت زمین کانادا، سطح رفاه زندگی آن، صلح طلب بودن و عدم نژادپرستی نسبت به مهاجران تازه وارد شده مهاجران زیادی از سراسر آسیا به این کشور مهاجرت می کنند (توسلی نائینی، ۱۳۹۴). مطابق ماده ۱۵ قانون اساسی کانادا، همه افراد به طور برابر حق دارند بدون تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، منش ملی یا قومی، سن یا ناتوانی ذهنی و جسمی از قانون حمایت کنند. با توجه به این قانون سیاست کانادا بر اصل عدم تبعیض است و پذیرش مهاجرانی که بتوانند سهم مثبتی در توسعه همه جانبه این کشور را داشته باشند در اولویت قرار دارد (صدر، ۱۳۹۶).

این مقاله به بررسی ماهیت تابعیت از منظر قوانین حکومتی در کشور ایران و کانادا می پردازد. هدف از مقاله حاضر روشن شدن زوایا و ماهیت تابعیت و همچنین اثرات این حالت بر فرد در دو جامعه متفاوت است و علت انتخاب این دو جامعه متفاوت بحث آمارهای مهاجرت ایرانیان به این کشور است.

سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۰ نشان می دهد که جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا بر اساس آخرین آمار موجود قابل استناد در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱.۸ میلیون نفر است. البته دبیرخانه شورای عالی ایرانیان، جمعیت مهاجران خارج از کشور را ۴.۰۴ میلیون نفر برآورد کرده که این آمار بر پایه منابع بین المللی موجود قابل راستی آزمایی نیست. بر پایه محتوای این سالنامه

که از سوی رصدخانه مهاجرت ایران تدوین و از سوی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایران منتشر شده، جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا بر پایه داده‌های منابع بین‌المللی در سال ۱۹۹۰ میلادی، بالغ بر ۸۲۰ هزار نفر بوده است که این رقم تا سال ۲۰۲۰ و طی سال ۳۰ سال ۲.۲ برابر شده است (نجفی راغب، ۱۳۹۷). گزارش دبیرخانه شورای عالی ایرانیان در سال ۱۳۹۹ حاکیست که آمریکا با پذیرش یک و نیم میلیون ایرانی، مهمترین مقصد مهاجران کشور بوده است. اما داده‌های تجمیع شده سازمان ملل متحد و بانک جهانی نشان می‌دهد که ۴۵۴ هزار ایرانی مهاجر راهی امارات عربی متحده شده‌اند که از این نظر امارات بالاتر از آمریکا که ۳۸۷ هزار و ۲۴۶ ایرانی به آن مهاجرت کرده‌اند، قرار دارد. مطابق داده‌های هر دو گزارش داخلی و بین‌المللی، کانادا جزء سه کشوری است که بیشترین تعداد ایرانی‌ها به آن مهاجرت کرده‌اند. این جمعیت بر اساس گزارش دبیرخانه شورای عالی ایرانیان، ۴۰۰ هزار نفر و بر پایه گزارش‌های بین‌المللی ۱۶۶ هزار و ۲۹۴ نفر است. بر اساس این کشور ایران جزو کشورهای مهاجرت فرست است و ایرانیان انگیزه بالایی به مهاجرت دارند و همین امر سبب می‌شود اهمیت مطالعه تطبیقی در خصوص تابعیت در کشور ایران با کشورهای هدف مهاجرت را پررنگ تر کند (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

بنابراین هر چند مسئله تابعیت جذاب باشد و به افراد حق بهره مندی از حقوق و مزایای دو یا چند دولت (تابعیت مضاعف) اعطا نماید (مثلاً در مورد اخذ ویزا و پاسپورت برای کسب رفتار بهتر یا کسب امتیاز ناشی از تعارض قوانین داخلی و...) اما واقعیت این است که مسئله تابعیت باعث ایجاد مشکلات در سطح بین الملل می‌گردد. این مشکلات هنگامی پدیدار می‌گردند که موضوع در یک دعوای بین المللی مطرح شود در چنین موردی قاضی وظیفه دارد جریان دعوا را بر اساس یک تابعیت هدایت کرده و اظهار نظر نماید چرا که عدم مقابله با این وضع پیدایش تقلب نسبت به قانون امکان سوءاستفاده تبعه از قوانین کشورها را فراهم می‌آورد (جلالی، ۱۳۹۶). بر همین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه دگرگونی‌های قوانین و مقررات در خصوص ماهیت تابعیت در حقوق کشورهای ایران و کانادا می‌باشد.

ابراهیمی (۱۴۰۰) مطالعه ای با عنوان قوانین تابعیت در کشور ایران انجام داد. تابعیت اصلی تابعیتی است که در زمان تولد به شخص تحمیل می‌شود. کسانی که تابعیت ایرانی آنها ناشی از تابعیت ایرانی پدر آنها یا تولد آنها در سرزمین ایران است دارنده تابعیت اصلی ایران به شمار می‌آیند. مراد از افزودن صفت اصلی بر این نوع تابعیت ها نشان دادن تمایز آنها از تابعیت های اکتسابی و نیز بیان این نکته است که این گونه تابعیت ها به زمان تولد شخص مربوطه اند و این که تابعیت او یا ناشی از تولد وی در خانواده های ایرانی (سیستم خون) و یا تولد در سرزمین ایران (سیستم خاک بوده است، خاصه آنکه به لحاظ برخی تفاوت ها میان حقوق اجتماعی دارندگان تابعیت اصلی ایران و تابعیت اکتسابی ایران تمایز میان این دو دسته از اتباع ایران ضرورت دارد). در بعضی عهدنامه هایی که دولت ایران با دول خارجی تا قبل از سال ۱۳۲۴ هجری قمری، منعقد کرده است می توان موادی راجع به تابعیت اصلی یافت از جمله در عهدنامه بین ایران و عثمانی منعقد در شعبان سال ۱۱۵۹ ه.ق بین نادرشاه افشار پادشاه ایران و سلطان محمودخان اول سلطان عثمانی به تابعیت ایران بود که در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق در ۱۵ ماده تنظیم شد.

مشهدی و گائینی (۱۴۰۰) مطالعه ای با عنوان تاملی بر برخی ابعاد حقوق عمومی تابعیت مضاعف مدیران و کارمندان دستگاه های اجرایی انجام دادند. به موجب ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، «قبول تابعیت کشور بیگانه» توسط کارکنان و مدیران دستگاه‌های اجرایی به شرط گواهی وزارت امور خارجه، موجب انفصال از خدمات دولت خواهد بود. قبول تابعیت کشور بیگانه هرگاه با حفظ تابعیت ایرانی همراه باشد آنگاه با کارکنانی مواجهیم که اصطلاحاً دوتابعیتی محسوب می‌شوند. با وجود تلاش های فراوانی که در سطح داخلی و بین المللی در جهت کاستن و منع تابعیت مضاعف صورت گرفته است، گاهی با چنین افرادی در دستگاه های اجرایی مواجه هستیم. این امر در مورد مقامات اداری و سیاسی دارای تابعیت مضاعف در سالیان اخیر بحث‌های حقوقی متعددی به دنبال داشته است. در این مقاله سعی شده است برخی از ابعاد حقوقی این مساله

از منظر آموزه های حقوق عمومی تحلیل و ارزیابی شود. فرض اساسی نوشتار بر این مبنا استوار بود که هرچند داشتن بیش از یک تابعیت توسط هر تبعه به‌ویژه مدیران و کارمندان، وضعیتی غیرعادی دارد لیکن صرف داشتن دو تابعیت نمی تواند از لحاظ حقوقی نامطلوب باشد بلکه در مورد تابعیت مضاعف مقامات سیاسی و اداری، قانونگذار در وضع احکام استعلامی باید با حزم و احتیاط حقوقی بیشتری برخورد نماید.

نتایج مطالعه حمزه زاده (۱۴۰۰) جایگاه تابعیت شرکتهای سهامی در نظام حقوقی ایران نشان داد که، در قوانین موضوعه ایران قانونگذار درخصوص شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای سهامی به طور خاص به بیان تغییر تابعیت در این شرکتهای پرداخته است. البته در قانون تجارت درباره امکان و شرایط تغییر تابعیت شرکت، قاعده کلی پیش بینی نشده است، برخی از حقوقدانان از وحدت ملاک مواد ۹۴ ل.ا.ق.ت. و ماده ۱۱۰ ق.ت. استنباط کرده اند که باتفاق نظر، همه شرکاء یا سهامداران می توان تابعیت شرکت را تغییر داد. البته برای این امر صرف تغییر تابعیت در بندهای اساسنامه کفایت نمی کند، بلکه تغییر عامل ارتباط اقامتگاه ضروری است.

نتایج مطالعه دانش پژوه (۱۴۰۱) بازخوانی ایضاحی تابعیت در قانون اساسی و نسبت آن با قوانین عادی، با تاکید بر بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی نشان داد که، دو اصل ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی به تابعیت اختصاص یافته است. این امر، افزون بر نشان دادن جایگاه و اهمیت نهاد تابعیت، از لزوم مطالعه تابعیت در حقوق اساسی و نیز لزوم تاثیرگذاری این دو اصل بر قوانین عادی مربوط به تابعیت حکایت می کند. چیزی که هنوز آن سان که باید، نه تنها از جانب قانونگذار، که حتی از سوی شارحان قانون اساسی و نویسندگان کتاب های حقوق اساسی، مورد توجه قرار نگرفته و بازخوانی دو اصل مذکور را ضروری ساخته است، تا در پرتو آن از یک سو، برخی عبارت های مبهم، یا دست کم غیرمصرح این دو اصل روشن شود و از سوی دیگر، به دو پرسش مرتبط پاسخ گوید: یکی آنکه اصولاً چه نسبتی بین دو اصل مذکور و قوانین عادی تابعیت برقرار است؟ دوم اینکه با توجه به اصل ۴۱ قانون اساسی، آیا فرزندان مادران ایرانی، می توانند تبعه ایران به شمار آیند؟ با تبیین نسبت این دو اصل با قوانین عادی مربوط، به طور مشخص بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی بودن فرزندان مادران ایرانی به استناد قانون اساسی ثابت و لزوم تغییر و اصلاح بند مذکور توسط قانونگذار آشکار می شود.

نتایج مطالعه جعفری و شیر (۱۴۰۰) بررسی تعیین و تغییر تابعیت اشخاص و صاحبان شرکت های تجاری در حقوق ایران نشان داد که، بعضی از حقوقدانان در این که شرکت تابعیتی داشته باشد، تردید کرده اند و اصولاً استعمال لفظ تابعیت را در مورد شرکت غیر صحیح تلقی می کنند. به نظر این دسته تابعیت رابطه ای است حقوقی که کشور خاصی را به یکی از اعضای تشکیل دهنده جمعیتش مرتبط می کند. این ارتباط جنبه معنوی دارد و میان دولت و افراد انسانی تابع آن که دارای احساسات و علائق هستند، برقرار می گردد که این در مورد شرکت صدق نمی کند و این به این معنی است که تابعیت شرکت وجود ندارد. اما دسته دیگر این فکر را مورد انتقاد قرار داده و قیاس میان تابعیت شرکت ها و تابعیت افراد را نادرست دانسته اند. از نظر این حقوقدانان وقتی صحبت از تابعیت افراد می شود، منظور رابطه ای سیاسی میان افراد و دولت است و پیدا کردن تابعیت یک فرد به این هدف صورت می گیرد که مشخص شود آیا در رابطه با دولت خاص، این فرد می تواند از حقوقی مثل رأی دادن و انتخاب شدن در یک نهاد قضایی یا تقنینی برخوردار شود و یا این که خدمت نظام را در کدام کشور باید انجام دهد و امثال این موارد. در حالی که تابعیت شرکت به معنی به منزله تایید این نکته است که حیات یک شرکت الزاماً تابع یک سیستم حقوقی است.

### گفتار اول: تعریف تابعیت

#### بند اول: تابعیت

کلمه تابعیت از چند باب گوناگون نشأت گرفته و مصدر جعلی (تبع، يتبع، تبعاً) می باشد و براین اساس در خود مفاهیمی را جای داده است که به صورت خلاصه وار می توان به پیرو، دنباله رو و مطیع بودن اشاره کرد. چنانچه بخواهیم به جمع این کلمه برسیم به «اتباع» می رسیم که کاربردهای گوناگونی را دارا می باشد (حیدری، ۱۳۸۹). برای بیشتر آشنا شدن با واژه تابعیت با کندوکاوی در فرهنگ نامه دهخدا به معانی که در ذیل این کلمه آمده از جمله پیروی کردن و فرمانبرداری را می توان نام برد. همچنین تبعه را اینگونه تعریف کرده است: شخصی که با دولت مشخصی در ارتباط است و طبق قوانین و مقررات آن عمل می کند. براساس تعاریف مختلفی که از تابعیت ذکر شده جامع ترین آنها اینگونه بیان داشته که تابعیت شامل عضویت شخص حقیقی - یا حقوقی است که نقش به خصوصی در گروه تشکیل دهنده دولت دارد و این فرد با دولت تعیین شده ای در ارتباط بوده که رابطه ی او دربرگیرنده سنبلی از اهداف حقوقی، سیاسی و معنوی است (غفاریون، ۱۳۹۸). از دیدگاه حقوقدانان جمهوری اسلامی ایران تعاریف مختلفی درباره تابعیت ارائه شده که اکثر آنها مبنای مشترکی دارند و در کل یک مفهوم واحد ذکر می کنند. لذا مهمترین تعریفی که همه ی حقوقدانان بر آن متفق القولند بدین شرح است: بایسته است که تابعیت را به عنوان ارتباطی سیاسی و معنوی بیان نمود که با این روند فردی را از دولتی به دولتی مشخص متصل می سازد (دماوندی، ۱۳۹۰).

#### بند دوم: تابعیت اشخاص

در تشریح تابعیت اشخاص ابتدا لازم است به واژه اشخاص پرداخت چون که به خودی خود معانی خاصی را دربردارد که شخص ویژه ای را شامل می شود که از زمانی که به دنیا می آید از لحاظ قانونی آغاز می گردد. بدین معنا که موجودی مستقل قبل از تولد و در رحم نیست بلکه ممکن است درست باشد، به شرط آنکه موجود طبیعی به دنیا بیاید، وجود شخص طبیعی با مرگ ختم می شود. شخص حقوقی به افرادی اطلاق می شود که خواسته ها و عملکردهای یکسانی با همدیگر دارند (مکرمی، ۱۳۹۵).

### گفتار دوم: تابعیت از منظر حقوق داخلی و حقوق بین الملل

#### بند اول: حق بر تابعیت از منظر حقوق داخلی

قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده ۵ این اعلامیه، ماده ۴۱ این اعلامیه را تأیید می کند و حق شهروندی را صحه می گذارد: «هر ایرانی دارای حق تابعیت است و این حق برای همه ی افراد جامعه به رسمیت شناخته شده و دولت ها نمی توانند این حق را از آنها دریغ کنند یا آن را نقض کنند. این تابعیت تا زمانی که افراد به دنبال کسب تابعیت کشور دیگری باشند به صورت تک تابعیتی برای آنها پابرجا است و در صورت کسب تابعیت کشور دیگری براساس قوانین حاکمیتی بر نحوه ی تابعیت آنها با این افراد برخورد می شود که احتمال دارد تابعیت اولیه آنها لغو شود» (نصیری، ۱۳۸۲). نظریه پردازان به صورت قاطع از ارتباط شهروندی به عنوان قراردادی بین یک شهروند و دولت سخن به میان آورده اند. لذا باید این امکان را در نظر گرفت که قبل از هرچیزی این گونه از فقه تنها با لحاظ کردن حقوق شهروندی اکتسابی اینگونه رابطه ای را قبول داشته اند نه شهروندی اصلی. از اینرو، الزامی است که با دیدگاه اشخاصی که ارتباط شهروندی را به منزله ی رابطه با حقوق عمومی قلمداد می کنند، یعنی با دیدگاه اکثریت فقها هماهنگی داشته باشد و بر مبنای قوانین مربوط به حقوق عمومی و عالی دولت عمل کنند (ارفع نیا، ۱۳۸۷).

براساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی کشور جمهوری اسلامی ایران اینگونه می توان اذعان داشت: «اشخاصی که ویژگی هایی که در ذیل آمده است را دارا باشند تبعه ایران انگاشته می شوند: تمامی افرادی که ساکن ایران هستند جدا از اشخاصی که تابعیت خارجی آنها ثابت شده باشد. لذا تابعیت خارجی کسانی محرز است که مدارک تابعیت آنها در دولت ایران قابل قبول بوده و هیچ گونه شک و تردیدی در آنها وجود نداشته باشد» (امینی، ۱۳۹۸).

### بند دوم: حق بر تابعیت از منظر حقوق بین الملل

در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که با لحاظ کردن تابعیت به عنوان یکی از حقوق اساسی و بین المللی شخص، نگاشته شده است: ۱. هر فردی که در کشوری به دنیا بیاید به طور قانونی حق تابعیت دارد. ۲. هیچ مقام دولتی نمی تواند به صورت خودکامانه فردی را از حق تابعیت خود یا اینکه از حق تغییر تابعیت محروم کند. با استناد گرفتن از این قانون وضع شده، اینگونه می توان حقوق اشخاص را معین کرد که هر فرد دارای تابعیت یک کشور یا یک حاکمیت مشخص شده است. از زمانی که این اعلامیه وضع شده و مخاطب خاص خود را که شامل دولت ها می باشد در بر گرفته، لذا بر مبنای مقررات بنا شده دولت ها وظیفه دارند که حق تابعیت اشخاص را در قانونگذاری ها خود قانونی قلمداد کنند. براساس سیستمی که عمل می کنند با دادن تابعیت به اشخاصی که در سرزمین آنها هستند یا در آنجا متولد می شوند تا آنجایی که امکان دارد از شکل گیری بی تابعیتی که وضعیت حقوقی شخص را در عرصه ی بین المللی با تنگناهایی رو به رو می سازد ممانعت به عمل آورند (توسلی نائینی، ۱۳۹۰).

### گفتار سوم: انواع تابعیت در حقوق عرفی

اندیشمندان حقوق عرفی برای تابعیت، انواع و اقسامی ذکر کرده اند که این تقسیم بندی ها بیشتر به منشأ پیدایش تابعیت نظر دارد. تابعیت در واقع رابطه یک فرد با یک دولت و به عبارتی به معنای عضویت یک فرد در جمعیت تشکیل دهنده یک دولت است (ارفع نیا، ۱۳۹۰). تابعیت در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته تقسیم می شود:

#### بند اول: تابعیت اصلی (ملی یا تولدی یا ذاتی)

تابعیت ذاتی یا ملی به تابعیتی گفته می شود که فرد به محض به دنیا آمدن، از مزایای آن برخوردار می شود که به این تابعیت، تابعیت ازلی نیز گفته می شود که این تابعیت به دو صورت به شهروندان اعطا می شود:

#### الف: تابعیت خونی

تابعیت خونی، روشی است که تابعیت والدین یا یکی از آنها در انتساب تابعیت به طفل سپرده می شود. در اعمال اصل خون، به رابطه سنی، خانوادگی و پیوند والدین توجه می شود (توسلی نائینی، ۱۳۹۹).

#### ب: تابعیت خاکی

تابعیت خاکی، روشی است که در آن، حق تابعیت از پیوند سرزمینی افراد با کشور معینی نشأت می گیرد. به عبارت دیگر، هر فردی که در سرزمین دولتی خاص متولد می شود، از تابعیت آن دولت بهره مند می شود.

#### بند دوم: تابعیت اکتسابی (غیر تولدی)

در تابعیت اکتسابی یا غیر تولدی، گاه اراده شخص تأثیری در تابعیت ندارد مثل تغییر تابعیت بر اثر جدا شدن قسمتی از خاک یک کشور و نیز تغییر تابعیت بر اثر ازدواج و گاه ناشی از اراده است و آن صورتی است که خود شخص تقاضای تحصیل تابعیت جدیدی بنماید (دانش پژوه، ۱۳۹۸). تابعیت اکتسابی به چند دسته تقسیم می شود:

#### الف: تابعیت تحصیلی

تابعیتی که در نتیجه اراده و درخواست فرد متقاضی، تحصیل می شود.

ب: تابعیت تبعی

تابعیتی که در نتیجه و درخواست فرد دیگر به وجود می آید.

ج: تابعیت تحقیقی

تابعیتی که شخص در نتیجه ازدواج به دست می آورد.

د: تابعیت اجباری

تابعیتی که بر اثر اشغال و فتح کشور به وسیله کشور دیگر یا تقسیم شدن کشور به کشورهای کوچک تر و به ناچار حاصل می شود (صدر، ۱۳۸۶).

ه: تابعیت افتخاری

تابعیتی که دولت ها به صورت استثنایی به بعضی اشخاص بسیار مهم و به پاس تقدیر از خدماتی که ارائه داده اند فعالیت هایی که داشته اند، اعطا می کنند.

و: تابعیت تجاری

تابعیتی که برخی دولت ها به منظور جلب سرمایه برای توسعه اقتصادی کشورشان اعطا می کنند.

ی: تابعیت مذهبی

تابعیتی که برخی دولت ها به محض ورود به قلمرو خود به شخص یا اشخاصی از دین خاص اعطا می کنند. برخی دیگر تابعیت را به اشخاص حقیقی و مجازی (اشخاص حقوقی و اشخاص) تقسیم کرده و تا زمان ایجاد دولت تابعیت را به تأسیس و ادامه تابعیت تقسیم کرده اند. در این زیربخش، «تأسیس شهروندی» یا به صورت ملیت یا به صورت تابعیت پیشنهادی است و «تابعیت دائمی» دو نوع دارد: شهروندی اصلی (تولد، مبدأ) و شهروندی به دست آمده (عدم تولد، تقسیم) و شهروندی اکتسابی. این کشور به چهار دسته تقسیم می شود: تابعیت دانشگاهی، تابعیت تابعه، تابعیت تحقیق و شهروندی اجباری (جعفری و شیری، ۱۴۰۰).

#### گفتار چهارم: تحولات قوانین مربوط به تابعیت در ایران و کانادا

##### بند اول: تحولات قوانین مربوط به تابعیت در ایران

در کشور ایران قوانین مربوط به تابعیت دستخوش تحولاتی گشته است. بازبینی و بررسی مجدد در قسمت های قانون شهروندی طی بارهای متوالی در مجلس شورای اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته است، اما تأثیر چندانی نداشته و به صورت متداوم از یک مجلس به مجلس دیگر انتقال داده شده است. تشویش های امنیتی ایجاد شده از ارائه و تغییر اصول جمعیتی کشور در مرزها، مهاجرت و روند صعودی افزایش آمار ازدواج با بیگانگان از پراهمیت ترین علل بی فایده بودن قانون شهروندی در ایران می باشد (دانش پژوه، ۱۴۰۱).

مجموعه اصلاحات شکل گرفته در قانون تابعیت ایران بدین شرح است:

- قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در سال ۱۳۸۵.
- طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۱.
- طرح اصلاح ماده (۹۸۰) قانون مدنی جهت تسهیل اعطای تابعیت به رزمندگان، ایثارگران و نخبگان غیرایرانی ۱۳۹۳ (ابراهیمی، ۱۴۰۰).

**بند دوم: قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در سال ۱۳۸۵**  
براساس قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون مشخص کردن تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که با موضوع طرح یک فوریتی اصلاح بندهای (۴)، (۵) و (۶) ماده (۹۷۶) قانون مدنی و انضمام یک تبصره به آن به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ و تأیید شورای محترم نگهبان به مرحله اجرا رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران به دنیا آمده یا حداکثر تا یکسال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می شوند قادرند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام درخواست تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می شوند (مکرمی، ۱۳۹۵).

**بند سوم: طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۱**  
براساس ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی متولد شده اند- مصوب ۱۳۸۵- و در جهت بخشیدن تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، برای مادران ایرانی و فرزندان آنها این حق شناخته شد تا طبق مقدمات خاصی به فرزند متولد شده از مادر ایرانی تابعیت ایرانی اعطا گردد. لذا در این فرایند مشکلاتی برای عملی شدن این قانون به وجود آمد که لایحه ی زیر راه را هموارتر ساخت (ارفع نیا، ۱۳۸۷).  
ماده واحده- متن زیر جایگزین ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی- مصوب ۱۳۸۵- و تبصره های آن می شود:

ماده واحده- فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می توانند به درخواست مادر ایرانی خود به تابعیت ایرانی درآیند. فرزندان نامبرده در صورت درخواست ندادن مادر قادرند بعد از رسیدن به سن (۱۸) سالگی برای داشتن تابعیت اقدام کنند که در صورت نبود مشکل امنیتی (به تشخیص و اعلام وزارت اطلاعات) به عنوان یک تابع ایرانی شناخته می شوند (دانش پژوه، ۱۴۰۱).

**بند سوم: طرح اصلاح ماده (۹۸۰) قانون مدنی جهت آسان کردن بخشیدن تابعیت به رزمندگان، ایثارگران و نخبگان غیرایرانی**  
۱۳۹۳

در نهایت در ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ طرح اصلاح ماده (۹۸۰) قانون مدنی با دو تبصره در صحن علنی مجلس مورد بررسی قرار گرفت. براساس ماده ۹۸۰ قانون مدنی، هر شخصی که در امور عمومی ایران خدمت یا همکاری درخور توجهی داشته باشد و شخصی با تبعه و نوادگان ایرانی باشد یا دارای منصب های ارشد علمی یا تخصصی در امور عمومی بوده و خواهان دریافت تابعیت باشد، چنانچه دولت آنها را مستحق تابعیت جمهوری اسلامی بداند این امکان وجود دارد با تصویب وزرا بدون اینکه اقامت داشته باشد از تابعیت کشور ایران بهره مند گردد (مکرمی، ۱۳۹۵).

ماده واحده- تبصره های ذیل به ماده (۹۸۰) قانون مدنی اضافه می شود:  
تبصره ۱- اشخاص غیرایرانی که در جبهه ها و مرزهای جمهوری اسلامی ایران و هر نقطه از جهان جانفشانی نموده اند یا نخبگانی که تقاضای خدمت در جمهوری اسلامی را دارند و خواهان دریافت تابعیت جمهوری اسلامی هستند، صلاحیت آنها در کمیته اعطای تابعیت به ایثارگران و نخبگان غیرایرانی متقاضی مورد بررسی قرار می گیرد.

تبصره ۲- کمیته اعطای تابعیت به ایثارگران و نخبگان ایرانی با مسئولیت وزیر کشور و با اعضای (نماینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نماینده دادستان کل کشور، نماینده وزارت اطلاعات، نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نماینده وزارت



بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نماینده وزارت امور خارجه، نماینده نیروی انتظامی، نماینده بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی، نماینده ای از مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر) در وزارت کشور تشکیل می گردد(ارفع نیا، ۱۳۹۰). تبصره ۳- متقاضیان باید این پیشنهاد را به همراه اسناد به دبیرخانه کمیته ارائه دهند. دبیرخانه پس از جمع آوری اطلاعات امنیتی، علمی، رزمی و ایثارگری و هرگونه صدمات ناشی از خدمات جمهوری اسلامی ایران، در جلسه کمیته بررسی و توسط اکثریت حاضرین تصمیم گیری می شود (امینی و امینی، ۱۳۹۸). تبصره ۴- رأی کمیته برای یک بار دیگر قابل بررسی و تجدیدنظر است. تبصره ۵- تبصره (۱) این ماده مانع از اعمال اصل ماده (۹۸۰) توسط هیأت وزیران نیست.

#### بند چهارم: تحولات قوانین مربوط به تابعیت در کانادا

قانون مهاجرت کانادا به اختصار IRPA گفته می شود. آخرین نسخه این قانون در سال ۲۰۰۱ تصویب شد و در سالهای اخیر دستخوش تغییرات بسیاری شده است. قانون مهاجرت کانادا در مجموع ۲۷۵ ماده دارد. این قانون توسط پارلمان کانادا تهیه و تصویب شده است و تغییرات آن توسط پارلمان کانادا انجام خواهد شد. قانون مهاجرت کانادا باید مطابق قانون اساسی ۱۸۶۷ کانادا و قانون اساسی آن در سال ۱۹۸۲ باشد. قانون مهاجرت کانادا به IRCC اجازه می دهد مجموعه ای از آئین نامه های تحت این قانون را صادر و اجرا کند. این آیین نامه ها IRPR نامیده می شوند. نسخه فعلی IRPR در کل ۳۶۵ مقاله است. این مواد طی سال های گذشته دستخوش تغییرات بسیاری شده اند. آئین نامه مهاجرت نمی تواند برخلاف قانون اساسی IRPA یا کانادا عمل کند (توسلی نائینی، ۱۳۹۴).

#### بند پنجم: مقایسه قوانین تابعیت قبل از سال ۲۰۱۵ با قانون ۲۰۱۵

قانون قبل از ۲۰۱۵	۱۱ ژوئن ۲۰۱۵
۱۰۹۵ روز ۳ سال از ۴ سال	متقاضیان می بایست قبل از تقاضای شهروندی به مدت چهارسال (۱۴۶۰) تا شش سال در کانادا حضور می داشتند.
برای حضور شرایطی وجود ندارد	متقاضیان باید در زمان مقدماتی در هر کدام از ۴ سال تقویمی، به مدت ۱۸۳ روز در کانادا حضور داشته باشند.
متقاضیان بین سنین ۱۸ و ۵۴ سال	متقاضیان بین سنین ۱۴ و ۶۴ سال باید دارای دانش پایه و شرایط زبان باشند.
قابل اجرا نیست	تابعیت به طور خودکار افزودن موضوع کانادایی های گمشده را در تاریخ ۱۱ ژوئن تمدید خواهد کرد، کسانی که وقتی اولین قانون تابعیت کانادایی اجرا شد. قبل از ۱۹۴۷ متولد شدند. در تاریخ ۱ ژوئن ۱۹۴۷ شهروند نشده اند.

## دلیری پور

### بند ششم: مقایسه قانون تابعیت ۲۰۱۵ و اصلاحات پیشنهادی

قانون ۲۰۱۵	اصلاحات پیشنهادی برای تغییر قانون ۲۰۱۵
سازمان بخاطر اقدامات خاص ضد منافع ملی کانادا تابعیت را لغو می کند. این دلایل عبارتند از: محکومیت تروریسم، خیانت، خیانت یا جرایم جاسوسی، براساس محکومیت حبس یا برای عضویت در نیروهای مسلح یا گروه های مسلح سازمان یافته که در جنگ و درگیری مسلحانه علیه کانادا حضور داشته اند.	لغو دلایل منافع ملی بخاطر فسخ
متقاضیان در صورت اخذ تابعیت می بایست برای اقامت در کانادا قصد و انگیزه داشته باشند.	لغو ارائه قصد و انگیزه اقامت
حضور فیزیکی در کانادا به مدت ۴ سال از ۶ سال قبل از تاریخ درخواست	حضور فیزیکی به مدد ۳ سال از ۵ سال قبل از تاریخ درخواست
زمان سپری شده در کانادا بعنوان اقامت موقت ممکن است محاسبه نشود	درخواست متقاضیان باید هر روزی را که در کانادا حضور داشتند بعنوان یک اقامت موقت در نظر بگیرند و اشخاص محفوظ قبل از مقیم دائم شدن مثلاً نیمی از روز در جهت رعایت شرایط حضور فیزیکی برای تابعیت، تا حداکثر یک سال از زمان اعتبار محاسبه می شود.

### بند هفتم: مقایسه قانون تابعیت ۲۰۱۵ با قانون تابعیت ۲۰۱۷

۱۱ اکتبر ۲۰۱۷	۱۱ ژوئن ۲۰۱۵
متقاضیان باید قبل از تقاضای شهروندی به مدت سه سال از پنج سال در کانادا حضور داشته باشند.	متقاضیان می بایست قبل از تقاضای شهروندی به مدت چهار سال از شش سال در کانادا حضور می داشتند.
در صورت لزوم پرداخت مالیات بر درآمد کانادا، تحت قانون مالیات بر درآمد کانادا، متقاضیان مجبور به انجام این امر، برای مدت سه سال از پنج سال، مطابق با شرایط حضور فیزیکی جدید می باشند.	در صورت لزوم پرداخت مالیات بر درآمد کانادا، تحت قانون مالیات بر درآمد، متقاضیان مجبور به انجام این امر برای چهار سال از شش سال می بودند که این امر کاملاً مطابق با نیاز حضور فیزیکی می بود.
این ماده لغو شده است. متقاضیان دیگر نیازی به این امر ندارند.	متقاضیان می بایستی اثبات می کردند که مدت ۱۸۳ روز در هر سال در طول ۴ سال از ۶ سال قبل از درخواست شهروندی، در کانادا حضور می داشتند.
هر یک روزی اقامت فیزیکی در کانادا به عنوان یک فرد دارای اقامت موقت (ویزای تحصیلی / کار) یا فرد متقاضی پناهندگی قبل از تبدیل شدن به یک مقیم دائم به عنوان یک نیم روز برای متقاضی محاسبه می شود تا سقف ۳۶۵ روز.	مدت زمان صرف شده در کانادا با ویزای موقت کار و یا تحصیل قبل از تبدیل شدن به اقامت دائم، به عنوان حضور فیزیکی محاسبه نمی شد.

## نتیجه گیری

با تطبیق هر چه بیشتر قانون ایران و کانادا می توان به این جمع بندی رسید که براساس تبصره ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و همچنین در قانون تابعیت کانادا مصوب ۱۹۷۷، با لحاظ کردن ادب و منش، عرف و عادت بین المللی به اطفالی که از نمایندگان سیاسی و کنسولی به دنیا می آیند تابعیت نمی شود. لذا در هر دو کشور که دارای چنین قوانینی هستند قاعده خاک و خون به کار گرفته می شود. این قاعده ی خاص که به نوعی ساخته ی عرف و عموم است در ارتباط بین دولت ها به نوعی عادت بین المللی تبدیل گشته و معمولاً کشوری از این اصل اعراض نمی کند. طبق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و همچنین قانون تابعیت کانادا، براساس قوانین هر دو کشور ایران و کانادا اطفالی که از پدر ایرانی و والدین کانادایی زاده شوند افزون بر اینکه در داخل کشورهايشان و یا خارج از آن متولد شده باشند تابعیت داده می شود و اینگونه تابعیت بخشیدن از نوع تابعیت اصلی است. اما در ایران اتباع خارجی که به عنوان شهروند تابعیت ایران را دارا می باشند مطابق ماده ۹۸۲ قانون اساسی حقوق ویژه ای از او زائل گشته است. در اصل ۴۱ قانون اساسی ایران حق هر ایرانی را برای داشتن تابعیت طبیعی تعریف می کند و هیچ کس را نمی توان مجبور به انکار شهروندی کرد. پیش بینی می شود کانادایی هایی که در خارج از کانادا متولد شده اند و در خارج از کانادا زندگی می کنند، در سن ۲۸ سالگی از تابعیت محروم می شوند. بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران برای متولدین ایران و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد را بهره مند از تابعیت ایرانی به شمار آورده و همچنین قانون تابعیت کانادا ۱۹۷۷ که تولد در کانادا (به استثنای متولدین از نمایندگان سیاسی کشورهای دیگر) را یکی از راه های کسب تابعیت کانادا می داند. باید گفت در کانادا هرکس در آن کشور متولد شود خواه پدر و مادرش باشد و خواه نامشخص، تابعیت کانادا را کسب می کند. ولی قانون ایران تنها برای متولد در ایران که پدر و مادرش معلوم نباشند سیستم خاک را اعمال نموده و اقدام به اعطای تابعیت به طفل می کند. هرچند که در قانون ۱۹۷۷ دولت کانادا نیز موضوعی وجود ندارد ولی در سال های گذشته دولت کانادا قوانینی برای اعطای تابعیت به اشخاصی که به وسیله اتباع کانادایی به فرزندخواندگی چه در کانادا و چه در خارج از کانادا پذیرفته می شوند وارد نموده است. لذا، متحمل است که براساس این روش فقط در کانادا می توان به شخصی تابعیت بخشید. همچنین مطابق ماده ۹۷۹ قانون مدنی ایران و هم طبق قانون تابعیت کانادا شرط اصلی دریافت تابعیت کانادا ۱۸ سال یا بیشتر است. ولی بر مبنای بند ۲ ماده ۹۷۹ قانون مدنی ایران کسی که خواستار اخذ تابعیت ایران است باید ۵ سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشد در حالی که این مدت برای خواهان تحصیل تابعیت کانادا ۳ سال است. همچنین طبق ماده ۹۸۰ قانون مدنی ایران درباره بایسته بودن شرط اقامت ۵ سال در ایران برای داشتن تابعیت با مواردی خاص روبه رو شده است، بدینگونه افرادی که به اموری که برای همگان سود داشته باشد در ایران کمک کرده باشند و همچنین اشخاصی که از ایران همسر برگزینند و از او دارای فرزند باشند و خواهان دریافت تابعیت ایران را داشته باشند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت ایران جایز بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

## منابع

ابراهیمی، قاسم، (۱۴۰۰)، قوانین تابعیت در کشور ایران، ششمین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.

ارفع نیا، بهشید، (۱۳۹۰)، «تابعیت اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی»، کانون وکلا، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳.

ارفع نیا، بهشید، (۱۳۸۷)، «ازدواج مختلط اتباع ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۳.

امینی، مهدی و امینی، زهرا، (۱۳۹۸)، «تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی»، حقوق خصوصی،

- دوره شانزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- ایمانی، محسن؛ صادقی، محمود و عبدی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «بررسی امکان گسترش حمایت های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیر ایرانی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۴.
- توسلی نائینی، منوچهر، (۱۳۹۰)، «تاملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک»، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۳.
- توسلی نائینی، منوچهر، (۱۳۹۴)، «تبعات ورود و اقامت غیرمجاز اتباع بیگانه در ایران»، فصلنامه مفید، شماره ۴۹.
- توسلی نائینی، منوچهر، (۱۳۹۹)، «نقدی بر قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی»، پژوهشنامه حقوق فارس، دوره سوم، شماره ششم.
- جعفری، محمدمهدی و شیرینی، جعفر، (۱۴۰۰)، بررسی تعیین و تغییر تابعیت اشخاص و صاحبان شرکت های تجاری در حقوق ایران، پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، حقوق و فرهنگ عامه، تهران.
- جلالی، فرهاد، (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی سیستم اعطای تابعیت اصلی در نظام حقوقی ایران و ژاپن، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه باهنر کرمان.
- حمزه زاده، مجتبی، (۱۴۰۰)، جایگاه تابعیت شرکتهای سهامی در نظام حقوقی ایران، نهمین کنفرانس بین المللی مطالعات حقوقی و قضایی.
- حیدری، سجاد، (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی نظام حقوقی تابعیت ایران و نیوزلند، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه باهنر.
- دانش پژوه، مصطفی، (۱۳۹۹)، «بازخوانی انتقادی اصلاحی ماده واحده مصوب مهر ماه ۱۳۹۸ درباره تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، سال بیستم، شماره یازدهم، بهمن.
- دانش پژوه، مصطفی، (۱۴۰۱)، بازخوانی ایضاحی تابعیت در قانون اساسی و نسبت آن با قوانین عادی، با تاکید بر بند ۲ ماده ۹۷ قانون مدنی، محل انتشار: فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره: ۱۱، شماره: ۳۶.
- دماوندی، فاطمه، (۱۳۹۰)، سلب تابعیت در حقوق ایران و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- صدر، شادی، (۱۳۸۶)، «مطالبه تابعیت مادری، نگاهی به سیاست های رسمی ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی»، فصلنامه گفتگو، شماره ۵۰.
- غفاریون، محمدرضا، (۱۳۹۸)، مطالعه تطبیقی قوانین تابعیت ایران و کانادا، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق قم.
- مشهدی، علی و گائینی، رعنا، (۱۴۰۰)، تاملی بر برخی ابعاد حقوق عمومی تابعیت مضاعف مدیران و کارمندان دستگاه های اجرایی، محل انتشار: فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره: ۲۳، شماره: ۷۳.
- مکرمی، علی محمد، (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول.
- نجفی راغب، مهرانوش، (۱۳۹۷)، «کودکان بدون شناسنامه، بیگانه در سرزمین مادری، بررسی وضعیت فرزندان بدون تابعیت و بدون شناسنامه حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی در ایران»، حقوق و اقتصاد.
- نصیری، محمد، (۱۳۸۲)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، نشر آگه.